

القاعده: زمينه ساز استقرار پايگاه  
هاي نظامي آمريكا و ناتو در آفريقا

## القاعده: زمینه ساز استقرار پایگاه های نظامی آمریکا و ناتو در آفریقا

کشورهای غربی و کشورهای شمال آفریقا در خصوص توانایی های القاعده در مغرب اسلامی مبالغه می کنند. القاعده در مغرب اسلامی در واقع همان گروه "جماعت سلفی دعوت و کشتار الجزایر" است که دو سال قبل زمانی که درماندگی و ناتوانی این گروه در الجزایر آن در سرایشی نابودی قرار داده بود برای ترمیم روحیه طرفداران خود و جلب حمایت مادی و معنوی مردم مسلمان جهان، و سوءاستفاده از عواطف اسلام گرایانه مردم شمال آفریقا، خود را تشکیلات مغرب اسلامی شبکه جهانی القاعده اعلام و آزادسازی اندلس و شمال آفریقا را از لوٹ کفار هدف خود بیان کرد و با این نحو تبلیغات، چهره خود را موجه ساخت. کارنامه دو سال گذشته این گروه وهابی تکفیری نشان داد که سیاست کشتار حداکثری و انتقام جویی بی رحمانه نه تنها عواطف مسلمانان منطقه و جهان را جذب نکرد بلکه عملکرد آنها ضربه بزرگی به اسلام گرایان در منطقه بود. نداشتن پایگاه مردمی موجب شد که این گروه در شمال آفریقا نتواند کوچکترین ضربه کاری به منافع غرب و یا مراکز نظامی دولت های منطقه وارد سازد. اما در عوض غرب توانست با بزرگ نمایی خطر این گروه مسلح، قراردادهای تسلیحاتی کلانی را به دولت های منطقه تحمیل نموده و بدنبال پایگاه دائمی در منطقه باشد. سیاست های مدیرانه عبد العزیز بوتفلیقه از یکسو و عملکرد غیرانسانی گروه های وهابی تکفیری در قتل و عام های ددمنشانه که منجر به کشتار بیش از دویست هزار نفر در الجزایر شد از سوی دیگر زمینه انزوای اضمحلال گروه های مسلح وهابی تکفیری را در الجزایر فراهم ساخت و این کشور که معروف به کشور یک میلیون شهید راه مبارزه با استعمار است، اولین کشور آفریقایی قربانی تروریسم وهابی تکفیری بود که در حال حاضر مسیر آشتی ملی و سازندگی را به خوبی طی می کند.

## مقدمه

مغرب اسلامی از دیدگاه طرفداران القاعده منطقه ای است که تمام کشورهای مسلمان شمال و غرب آفریقا بویژه کل کشورهای عضو اتحادیه مغرب عربی (الجزایر، مغرب، تونس، لیبی، موریتانی، مراکش) و حتی جنوب اسپانیا (اندلس) را پوشش می دهد. آنها بطور آگاهانه این نام را بجای نام رایج "مغرب عربی" برگزیده اند زیرا حتی در منطقه مغرب عربی نیز 40 درصد مردم غیرعرب (آمازیغ بربر) و یا مستعرب هستند.

هفت سال پس از آغاز جنگ آمریکا و متحدانش با تروریسم جهانی و هزینه بیشتر از هفتصد میلیارد دلار، کارشناسان بر این باورند که آمریکا هنوز در ابتدای راه قرار دارد و القاعده تشکیلات خود را در سراسر جهان به ویژه در آسیای غربی، خلیج فارس و مغرب عربی مستحکم و قدرتمندتر می کند.

آمریکا که در تمامی نقاط حساس و استراتژیک دنیا پایگاه های نظامی دائمی دارد اما در قاره آفریقا هنوز فاقد چنین پایگاهی با مشخصات پایگاه نظامی دائمی است. ترس از القاعده و یا بهانه حضور تروریست ها، آمریکا را بر آن داشته تا بطور جدی به دنبال ایجاد پایگاه های دائمی

در قاره آفریقا باشد. [1]

سومالی، جیبوتی، سنگال، چاد و مناطق ساحلی غرب مغرب، الجزیره، تونس، موریتانی، نیجر، نیجریه، مالی و مورتانی مناطق تحت پوشش اطلاعاتی و رهگیری پایگاههای موقت آمریکا است.

آمریکا و ناتو علاوه بر داشتن تسهیلات نظامی در منطقه شمال آفریقا و پایگاه در شهر الجبر التار انگلیس در تنگه جبل الطارق و گشت زنی های دریایی منظم در آبهای ساحلی مغرب، درصد برپایی یک پایگاه نظامی دائمی در منطقه صحرای آفریقا (با نام آفریکوم) است. همکاری های ناتو با سه کشور منطقه طی سال گذشته مسیخی با انجام رزمایش نیروهای آمریکایی در صحرای بزرگ الجزایر در چارچوب "برنامه حمایت از تلاش های مبارزه با تروریسم در ساحل آفریقا" و رزمایش دریایی دیگری در سواحل غرب مغرب و رزمایش ضدتروریستی متشکل از نیروهای اف بی ای و نیروهای مغربی در شهر طانطان و حاشیه صحرا نمود بیشتری پیدا کرد. آمریکا و ناتو در نظر دارند یکی از پایگاههای مبارزه جهانی با تروریسم را در منطقه مثلث صحرا ایجاد کنند. پادشاهی مغرب از ابتدای استقلال متحد مورد اعتماد آمریکا بوده و آمریکا تامین کننده اصلی سلاح ارتش مغرب است و از سال 1945 تاکنون در شهر قنیطره (Kanitra) پادگان نظامی چندمنظوره داشته است. [2]

پس از چند دهه روابط شکننده میان الجزایر انقلابی و آمریکا، از 11 سپتامبر آمریکاییان همواره از الجزایر بعنوان یک متحد در چارچوب سیاست های جهانی مقابله با تروریسم یاد می کنند. الجزایر بزرگترین قربانی تروریسم در منطقه مغرب اسلامی/عربی است. مغرب، تونس، موریتانی، نیجر، سنگال و مالی نیز از عملیات تروریستی مصون نبوده است. شهروندان مغربی (مراکشی) سابقه وسیعی در همکاری و عضویت با القاعده و همچنین سابقه عضویت در سازمانهای اطلاعاتی غرب برای نفوذ در تشکیلات القاعده دارند. نیمی از عوامل اصلی در انفجارهای مادرید، مغربی تبار بودند و در حوادث خونین و جنایتکارانه انتحاری در عراق نیز نزدیک به 60 انتحاری مغربی شرکت داشته اند.

## تشکیلات القاعده مغرب اسلامی

در سالهای 1970 تا 1980 گرایشات و تمایل در افکار عمومی در کل مغرب عربی به سوی اخوان المسلمین و مبارزات اسلامی شدت گرفت. در مراکش "جنبش الشبیهة الإسلامية" به رهبری عبد الکریم مطیع و در تونس جنبش "الجماعة الإسلامية" در سال 1969، و در الجزائر جنبش "الإخوان المسلمین" به رهبری محفوظ نحناح شکل گرفت. سپس از درون این جنبش ها حرکات تندرو سلفی جهادی در دهه های 1990 شکل گرفت.

دو جریان "الإخوان و الجزائر" به تندروی کشیده شدند و گروه اسلامی به رهبریمصطفی بویعلی، در سال 1979 اقدام به تهاجمات مسلحانه علیه نیروهای نظامی در الجزایر نمود.

بویعلی در 3 فوریه 1987، به قتل رسید. جوانان سرخورده از این جریانات توسط بعضی از فقهای میانه رو جذب شدند و سال 1989 "الجبهة الإسلامية للانقاذ" (جبهه نجات اسلامی) به رهبری عباس مدنی و علی بن حاج تشکیل گردید اما ترس دولت از نفوذ تندروهای سلفی جهادی در درون این گروه نظامیان را وادار به واکنش نمود. اشغال افغانستان توسط شوروی حادثه دیگری بود که مسلمانان انقلابی و جهادی را به فکر تشکیلات نظامی انداخت. کمک های مالی عربستان به افراد داوطلب برای عزیمت به افغانستان در وسوسه بسیاری از جوانان منطقه مغرب عربی برای عزیمت به افغانستان نقش داشت. [3]

هنگامی که شوروی از افغانستان خارج شد حدود بیست هزار رزمنده متعلق به 25 کشور اسلامی و عربی در افغانستان حضور داشتند آنها مغرور از پیروزی بر ابرقدرت شوروی به کشورهای خود بازگشتند و خطری برای دولتهای خود شدند.

در سال 1991، در الجزایر انتخابات آزادانه برگزار شد و در کمال ناباوری جبهه نجات اسلامی با کسب 188 کرسی از 430 کرسی پیروز انتخابات شد. ترس از نفوذ عرب افغانها و سلفی های جهادی در صف جبهه نجات باعث شد که رئیس جمهور "بن جدید" در سال 1992 پارلمان را منحل نماید و ارتش قدرت را بدست گرفت. تعدادی از طرفداران افراطی جبهه نجات نیز گروههای مسلح، "حركة الجهاد الإسلامی الجزائر"، سازمان "الضبط المسلمین" و گروه "الباقون علی العهد" را تشکیل دادند دسته های مسلح مذکور در دو گروه عمده زیر معرفی می شدند: [4]

1- "الجیش الإسلامی للإنقاذ" به رهبری مدنی مزراق و عبد القادر شبوطی و محمدسعید مخلوفی.

2- "الجماعة الإسلامية المسلحة" به رهبری أبو عبد الرحمن أمین تشکیلات اصلی جنگ مسلحانه بودند که هزاران نفر را بی رحمانه بقتل رساندند.

در سال 1992 بین رهبران اصلی گروههای مسلح (آقای شبوطی و ملیانی)، اتحادی بوجود آمد شدت خشونتهای آنها به حدی بود که علمای مذهبی مانند بلحاج و عباس مدنی خود را از این گروه های خشونت گرا و کشتارگر مبرا نمودند و کشتار و حشیانه علیه افراد شهروند را که از سوی گروههای مسلح صورت می گرفت، محکوم نمودند.

ملیانی که خود یک عرب افغان بود سال 1992 اعدام شد، رهبری حرکت را محمد علال و سپس عبد الحق العیایده از افراطیون سلفی بدست گرفتند. بعد از اعدام وی سید احمد مراد ملقب به جعفر الأفغانی رهبری را بدست گرفت. که بسیاری از روشنفکران و روزنامه نگاران و دانشگاهیان توسط این گروه بی رحمانه به قتل رسیدند. بعد از قتل وی در سال 1994 رهبری را جمال زیتونی به عهده گرفت که فتوای قتل زنان و کودکان و علمای مخالف فکر جهادی سلفی (مانند شیخ محمد السعید محمد بو سلیمانی و عبدالرزاق رجام و عبد الوهاب العماره) را صادر نمود. [5]

در دوره رهبری زیتونی 117 امام جماعت کشته و 30 مسجد مورد تهاجم و آتش سوزی قرار گرفت. سپس در رأس گروه "الجماعة الإسلامية المسلحة" فردی بنام عنتر الزواری قرار گرفت. پس از انتخابات و استقبال عمومی از ریاست جمهوری سیاستمدار کهنه کار "بوتفلیقه" [6] و فراخوان وی برای آشتی ملی، گروه های مسلح دچار تزلزل شدند. از درون گروه مذکور "الجماعة السلفية للدعوة و القتال" ظهور پیدا کرد، که امروزه بنام القاعده در مغرب اسلامی نامیده می شود. این گروه به رهبری مصعب عبد الودود روز 24 ژانویه 2007 اطاعت و تبعیت کامل خود را از اسامه بن لادن اعلام نمود.

این تشکیلات عموماً از ستیزه جویان الجزایری تشکیل شده است که قبلاً با نام "الجماعة السلفية للدعوة و القتال الجزائریه" شهرت داشت. ابو مصعب سوری در خاطرات 70 صفحه ای خود شرح مفصلی از اقدامات تروریستی گروههای الجزایری دارد و از جمله چنین نوشته است: "سال 1997 مجدداً به افغانستان برگشتیم و دوباره جمع ما جمع شد. اما مجاهدین عرب در خصوص الجزایر اختلاف سلیقه داشتند و من خلاصه ای از تحولات الجزایر در دو قرن گذشته را شرح دادم. در انقلاب الجزایر علما و رزمندگان اسلام گرا نقش داشتند. اما هواری بومدین که در سال 1963 قدرت را بدست گرفت، ایده قوم گرایی عربی و افکار نزدیک به

سوسیالیستی/کمونیستی داشت. نقشی به اسلام و علما نداد، تنها کار خوبی که کرد برای تعریب(عربی سازی) معلم هایی را از مصر و عربستان دعوت کرده، در میان آنها طلاب و علمای دینی بودند که اساس فکر اخوان المسلمین و فکر سلفی را در الجزایر رواج دادند. در اوایل دهه 70 میلادی الشیخ (مصطفی بویعلی) از حکومت شاذلی خواستار بازگشت به اسلام شد؛ اما دولت توجهی نکرد، الشیخ (بویعلی) اعلام جهاد داد و جنبش (حرکه الدوله الإسلامیه) را تاسیس نمود، با قتل وی نهضت اسلامی فروکش کرد. اما با اشغال افغانستان از سال 1986-1991 صدها نفر از رزمندگان صحوة اسلامی الجزایری با کمک عربستان به افغانستان اعزام شدند. جنبش اسلامی الجزایر تا سال 1989 نفوذ خود را به تمام طبقات گسترش داد. دولت قول داد انتخابات برگزار کند. طبیعی بود که جبه اسلام گرا که 7 گروه عمده بودند پیروز می شدند؛ اما ارتش کودتا کرد و مجاهدین نیز جنگ مسلحانه را برگزیدند. در این زمان ما مجاهدین الجزایری در افغانستان احساس کردیم که باید به وظیفه خود عمل کنیم؛ به الجزایر بازگشتیم تا علیه دولت بکنگیم. قاری سعید رهبری این گروه را بر عهده داشت، که از پیشاور به الجزایر بازگشت. بخشی از جبهه عباس مدنی از جنگ کناره گرفت؛ اما الشیوخ (محمدالسعید و عبد القادر شبوطی و عبد الرزاق رجام و سعید مخلوفی) تاسیس (جیش الإسلامی إنقاذ) به رهبری مدنی مرزاق براساس فکر جهادی سلفی و مخالفت با حکومت دمکراسی را بنیان گذاشتند. بسیاری از رهبران جبهه، از جمله قاری سعید به قتل رسیدند".

[7]

عبد المالک درودکال "أبو مصعب عبد الودود" هدف تشکیلات جدید را آزادسازیت مام کشورهای مغرب عربی/اسلامی و اندلس از لوث کفار اعلام نمود. اما باید در نظر داشت که ائتلاف این گروه با القاعده دقیقا زمانی بود که این گروه در نهایت ضعف قرار گرفته و پایگاه مردمی خود را از دست داده بود. لذا با این کار این گروه مسلح قصد بزرگنمایی و جلب نظر و کسب مشروعیت از سوی سلفی های جهانی اسلام را داشت. عمار سیفی معاون او در تشکیلات است که از سوی دولت الجزایر به جرم ربودن 32 جهانگرد به زندان ابد محکوم است. مختار بلمختار مسئول عملیات در منطقه صحرای بزرگ و مرزهای مالی و نیجر است. تعداد جنگجویان این تشکل بین 300 و 800 الجزایری و تعداد نامشخصی موریتانیایی، لیبیایی، مراکشی، تونسسی، مالی و نیجری در 70 دسته مجزا از ستیزه جویان را تشکیل می دهند. در این راستا سه گروه ستیزه جوی سلفی بنامهای گروه رزمندگان لیبیه و گروه سلفی دعوت و کشتار الجزایری و جمعیت پیکارگر اسلامی مغربی در تشکیلات جدید ادغام شدند که متشکل از یک شورای مرکزی 16 نفره به رهبری ابو مصعب عبد الودود و چند تبعه مغربی و تونسسی است. ابو البرا مراکشی یکی از افراد رهبری این گروه است و تعدادی از تروریستهای فراری از عراق نیز به آنها پیوسته اند.

[8]

تعدادی از عملیات آنها عبارتند از: [9]

- 11- آوریل 2007: هجوم به ساختمان دولت و مقر پلیس الجزایر که 30 کشته و 220 مجروح از شهروندان الجزایری بر جای گذاشت.
- 5- سپتامبر 2007: عملیات انتحاری در میان شهروندانی که منتظر ورود رئیس جمهور عبد العزیز بوتفلیقه به شهر باتنه بودند، 22 نفر از مردم عادی کشته و 100 نفر مجروح شدند.
- 11- سپتامبر 2007: هجوم به منطقه الأخریه در ولایت "البویره" 10 نفر کشته.
- 11- دسامبر 2007: هجوم به الجزیره 67 کشته که عموما زنان و کودکان بودند.
- 22- فوریه 2008: ربودن دو جهانگرد اتریشی در جنوب تونس.

-ژانویه 2009: ربودن چهار جهانگرد انگلیسی در مالی.

23- ژوئن 2009: ربودن یک آمریکایی بنام کریستوفر لاغت در پایتخت موریتانی (نواکشوط) [10]

## حوزه مغرب عربی و مدیترانه یکی از حوزه های پنجگانه اصلی فعالیت القاعده

کشورهای ساحل اروپایی و ساحل آفریقای مدیترانه در سال های اخیر مشاورات و هماهنگی های متعدد قضایی و مرزی و امنیتی برای تبادل اطلاعات در مورد القاعده و تروریسم داشته اند. این حوزه شامل 11 دولت اروپایی و شمال آفریقا (آلمان، فرانسه، بریتانیا، هلند، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا، الجزایر، تونس، مصر، اردن، مراکش و لیبی) می شود. در این حوزه دسته های مجزا و مستقل متعددی وجود دارد که در سال های اخیر با ایمیل و اینترنت توانسته اند ارتباط نزدیکی باهم برقرار نمایند.

در ابتدا عبدالکریم المجاطی، مغز متفکر انفجارهای کازابلانکا (دار البیضا) رهبری این حوزه و نظارت بر گروه های زیرزمینی ترکیه و مادرید را بر عهده داشت.

در این حوزه 11 گروه جهادی وجود داشتند که با یکدیگر رابطه بسیار نزدیکی دارند و در تمام کشورهای فوق الذکر شعبه فعال دارند. اما در بسیاری از موارد ارتباط تشکیلاتی ندارند مانند گروه توحید و جهاد مصر که مستقل عمل نموده است. این گروه ها و دسته ها هم اکنون فقط با نام القاعده مغرب اسلامی بیانیه صادر می کنند عبارتند از:

-جماعت سلفی دعوت و کشتار (CPSG) الجزایر" همانطور که گفته شد این گروه در سال 1998 توسط حسن خطاب از عرب افغان های الجزایری تاسیس شد که چندین سال با ارتش الجزایر در نبرد بودند. "ابو مصعب عبد الودود" سومین فردی است که پس از "حسن خطاب" موسس گروه و جانشینش "نبیل صحراوی" مشهور به "ابو ابراهیم مصطفی" (در اگوست 2006 ترور شد) از سوی القاعده به سمت فرماندهی گروه منصوب شد. این گروه جنایات زیادی را در الجزایر مرتکب شده و حوزه فعالیت هایش در منطقه کوهستانی شمال الجزایر و مرزهای الجزایر با مالی، نیجر، مغرب و مورتانی نیز مشهود است. منطقه جیجل، غلیزان، الدفلی و کوه های سدرات در غرب الجزایر پایگاه تدارکاتی این گروه است. در شهرهای اصلی نیجر، مالی، مورتانی، تونس و مغرب نیز اظهار وجود کرده اند. دولتهای مراکش و الجزایر در چند سال گذشته چندین خانه تیمی این گروه را کشف نموده اند. در سال 1385 یک گروه در شهر تطوان مغرب کشف شد و مشخص شد که از این شهر 50 نفر در عملیات های انتحاری در عراق شرکت داشته اند.

[11]

## جمهوری مالی

مالی یکی از فقیرترین کشورهای آفریقایی است شاخه هایی از گروه سلفی دعوت و کشتار در مورتانی -مالی-مغرب- نیجر- چاد و سودان فعال هستند. فاگارا یکی از افراد طوارق و جنگ سالار ضدحکومتی دارای 7350 سرباز است. طوارق یک اقلیت 200 هزار نفری ساکن مالی است. رهبران این گروه خود را شریک القاعده نمی دانند؛ اما ربودن توریستهای آلمانی در سال 2003 در منطقه آنها اتفاق افتاد؛ غربی ها معتقدند که شبکه القاعده در بلاد بربر یک تشکیل نظامی خطرناک برای منطقه است، ارتش آمریکا یک گروه ورزیده را به شهرهای تمبکتو-کاو- باماکو- و مناطق صحرا اعزام نموده است تا آموزش های لازم را به نیروهای دولتی بدهند.

برخلاف ادعاهای غرب، در دو سال گذشته عملیات موفقی از سوی القاعده علیه منافع غرب در این منطقه گزارش نشده است.

## پادشاهی مغرب (مراکش)

در سرزمین پهناور مغرب نیز گروه های سلفی جهادی فعال هستند و بنابر ادعای رسانه های گروهی مراکش تاکنون شبکه های زیادی از آنها متلاشی شده است.

- "جناح سلفیه الجهادیه" مغرب، رهبر معنوی این گروه "شیخ محمد الفیزازی" است که پس از انفجارهای مراکش به 20 سال زندان محکوم شد. در کازابلانکا 11 نفر که همگی به شهرک فقیرنشین کاروان تعلق داشتند به چند هتل و یک مرکز یهودی حمله کردند.

- جماعت اسلامی توحید و جهاد مغرب به رهبری ابوجهاد.

- "سازمان صراط المستقیم" مغرب به رهبری "میلودی زکریا".

- "جماعت هجرت و تکفیر" مغرب (مراکش) به رهبری "داوود مخملی".

- "جماعت اسلامی جنگجویان" مراکش که توسط عبد الکریم المجاطی تاسیس شد اخیرا سازمان مبارزه با تروریسم مغرب، "محمد الکرپوزی" - پناهنده ناراضی مغربی (مراکش) در لندن - را به عنوان رهبر جدید این سازمان متهم ساخت؛ اما وی به شدت این اتهام را رد کرده است. بیشتر از 700 نفر در ارتباط با هواداری از القاعده در زندان قنيطره، سلا و اسفی بسر می برند و در ماه های اخیر تعداد زیادی از افراد مشکوک به همکاری با القاعده دستگیر شده اند. [12]

سایر کشورهای شمال آفریقا نیز درگیر مشکل القاعده هستند.

- گروه توحید و جهاد مصر که مسئول انفجارهای شرم الشیخ و دهب است.

- خلایا الموت طرفداران رزقوی معدوم در اردن، دهها نفر از وابستگان به القاعده در سه زندان جویده، قفقاز و سواقه اردن بسر می برند که 120 نفر آنها از عناصر خطرناک محسوب می شوند و مسبب چند بار شورش در زندان هستند. عزمی الجیوسی مغز متفکر حمله نافرجام شیمیایی به یک مرکز دولتی جزو آنها است.

- "جماعت اسلامی جنگجویان لیبی، توسط "محمد بن فاضل" تاسیس شد و اکنون رهبری آن به "عبد الله الصادق" سپرده شده است. این گروه در سال 1990 تاسیس شده و هدف آنها سرنگونی دولت معمر قذافی و تشکیل امارت اسلامی لیبی است. انس لیبی، ابو فرج لیبی و همچنین عبد الرحمن الفقیه که از سوی دادگاه مغرب بطور غیابی به اعدام محکوم شده است از افراد این گروه هستند. این گروه نیز برای اعزام نیرو به عراق اقدامات زیادی انجام داده است.

- "جماعت اسلامی جنگجویان تونس" به رهبری "طارق معروفی" بر شعبه های خود در بلژیک و ایتالیا نظارت دارد. معروفی اکنون در بروکسل زندانی است.

- "سازمان سنت و الجماعه تونس" به رهبری "نزار طرابلسی" که او نیز در بروکسل زندانی است. این سازمان بر شعبه های بلژیک و هلند نظارت دارد.

- "جبهه اسلامی تونس" به "رهبری علی بن طاهر" که اکنون در تونس زندانی است. این دو گروه چند عملیات نظامی علیه نظامیان تونس انجام دادند.

- "سازمان انصار شریعت" در لندن به رهبری "ابو حمزه مصری".

- سازمان "المهاجرون" به رهبری "عمر بکری محمد".

- سازمان القاعده در موریتانی تشکیلات القاعده در مثلث معروف به افغانستان که در منطقه صحرایی موریتانی و الجزایر قرار دارد تشکیلات قدرتمندی دارد که بخش عمده آنها سال گذشته دستگیر و در زندان بسر می برند. در واقع، این تشکیلات همگی امروزه با نام القاعده در مغرب

اسلامی فعالیت می کنند. [13]

آمریکا در این منطقه پایگاههایی برای ردیابی تحرکات القاعده برپا نموده است. حوزه هند و پاکستان، حوزه منطقه آسیای مرکزی، حوزه خاورمیانه و خلیج فارس، حوزه جنوب شرق آسیا نیز از مناطق دارای تشکیلات قوی القاعده است. [14]

حوزه خلیج فارس شامل عربستان، یمن، کویت، عراق، اردن، ترکیه و لبنان. در ابتدا "عبد الرحیم الناشری" از سوی القاعده به سمت فرماندهی این حوزه منصوب شد اما پس از دستگیری وی -در امارات- توسط AIC (سپتامبر 2002)، "سالم طالب سنانالحارثی" مشهور به "ابو علی" رهبری حوزه را بر عهده گرفت. ابو علی در نوامبر 2003 باموشک هواپیماهای بی سرنشین آمریکایی موسوم به "پریدیتور" در یمن به قتل رسید و "محمد حمدی الاهدل" جایگزین وی گردیده بود، نیز در درگیری در خانه تیمی در عربستان به همراه فرزندش کشته شد. وی در انفجارهای کازابلانکا، مادرید و ترکیه دست داشته است و عضو اصلی شبکه "ساماندهی داوطلبان اروپایی جهاد در عراق" بوده است. وی همچنین بر حوزه غرب عربی و مدیترانه نظارت داشته و با انفجارهای کازابلانکا (16 مه 2002) و مادرید (مارس 2004) مرتبط بوده است. المجاطی در پی تعقیب و گریز با نیروهای امنیتی عربستان به همراه 14 تن از همزمانش (آوریل 2005) به قتل رسید. حوزه ای که المجاطی فرماندهی آن را بر عهده داشت؛ با داشتن 3 گردان رزمی و زیرشاخه های آن، یکی از بزرگترین واحدهای عملیاتی است و دامنه انکل منطقه خلیج فارس به ویژه عربستان، یمن و کویت را دربر می گیرد. این حوزه بر بعضی از شبکه های محلی نظارت دارد:

- "انصار القاعده در جزیره العرب"، عنوانی است که هسته ای سعودی القاعده بر خود گذاشته اند. رهبر این گروه "یوسف العیبری" بود که در ژوئیه 2002 به قتل رسید. "عبد العزیز عیسی المقرن" مشهور به "ابو هاجر" - جایگزین وی- نیز کمی پس از وی کشته شد. پس از ابو هاجر، "سعود بن حمود العتیبی" رهبر انصار القاعده شد. این سازمان در حمله انتحاری به ناو آمریکایی "کول" و نفتکش فرانسوی "لمبورگ" در سواحل یمن (اکتبر 2000 و 2002) دست داشته است. سعود العتیبی در عملیات اخیر نیروهای امنیتی عربستان به قتل رسید. القاعده تقریباً در تمامی کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس تشکیلات سری دارد.

- القاعده در سومالی نیز بسیار فعال است و از چند نفر از جمله شیخ حسن اویس به عنوان رابطین القاعده نام برده می شود.

## سابقه تشکیلات بین المللی القاعده

دفتر "مکتب الخدمه" که هدف آن مسلح نمودن و آموزش و پشتیبانی و تجهیز مجاهدین مسلمان برای جنگ با شوروی سابق بود با کمک آمریکا، پاکستان، عربستان و سازمان های خیریه اسلامی عربی توسعه و به یک نیروی تشکیلاتی پیچیده تبدیل شد که از نظر فکری، سنی سلفی جهادی و به عبارتی وهابی سیاسی محسوب می شود که از درون وهابیت سنتی و محافظه کار سر برآورده است.

بدنبال اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، مسلمانان جنگجو از سراسر خاورمیانه داوطلب جهاد در افغانستان شدند. دکتر عبد الله عزام رهبر روحی عرب افغانها و یا القاعده (متولد فلسطین شهر جنین) در سال 1982 به افغانستان رفت و دفتر خدمت رسانی بیت انصار را در سال 1984 در پیشاور تاسیس کرد. اما در سال 1989 در اثر انفجار یک بمب کشته شد که تحلیلگران آن را به تسویه حساب درون گروهی عرب افغانها تعبیر نمودند؛ کما اینکه در مورد

قتل مسعود سمبل مجاهدین نیز این اقدام تکرار شد القاعده از نام پادگان نظامی این گروه بنام "قاعده الجهاد" (پایگاه نبرد مقدس) گرفته شد. بیشتر اعضا ابتدا این سازمان را "جبهه بین المللی جهاد علیه یهودیان و صلیبیان" می نامیدند. در سال 1998، ایمن ظواهری سازمان جهاد اسلامی مصر را با سازمان القاعده ادغام نمود و به شخص دوم این تشکیلات تبدیل شد. [15]

در سال 1985 بیت انصار در پیشاور با حمایت ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا به مرکز و نقطه وصل مامورین سیا و مجاهدین عرب تبدیل شد و بیست میلیارد دلار برای نابودی امپراتوری شر(شوروی) هزینه شد که بخش اعظم آن در پاکستان صرف تربیت، آموزش و مسلح سازی افرادی که آمریکا آنها را مبارزان راه آزادی می نامید، گردید. پاکستان از قبل کمکهای تسلیحاتی که به مجاهدین می شد به یک زرادخانه منطقه ای تبدیل شد. برژنسکی درس ال 1985 گفته بود مجاهدین فرشتگانی هستند که برای پشتیبانی از آمریکا در نابودی امپراتوری شر فرستاده شده اند.

ویلیام کیسی رهبر سیا شخصاً در سال 1986 یکی از مدیران اطلاعات پاکستان را مامور کرد تا داوطلبان نخبه را از کمپ های آموزشی پاکستان شناسایی و برای آموزش به کمپ "پیری" مرکزی سری سیا در ورجینیا و کمپ بروکلین در نیویورک منتقل سازد. در این دو کمپ صدها جوان مصری، پاکستانی، سعودی، یمنی، اردنی، مراکشی و... حتی امریکایی و اروپایی، آموزش های ویژه و حتی آموزش ساخت و استفاده از سلاح های شیمیایی دیدند و بیشتر آنها پس از آموزش به جلال آباد اعزام می شدند.

گلبدین حکمتیار از متحدین فعلی طالبان و القاعده نیز ضمن بازدید از این دو کمپ بر آموزش آنها نظارت کرده بود. تام کیروی یک مامور انگلیسی که به مجاهدین آموزش می داده است به ابرور شماره 13 اوت 2007 می گوید تمام چیزهایی که ما به آنها آموزش دادیم که علیه شهرهای بزرگ شوروی و علیه شهروندان و منافع شوری بکارگیرند هم اکنون آنها علیه خودمان بکار می گیرند.

به نوشته شرق الاوسط از سال 1982 تا 1990 بیشتر از 30 هزار داوطلب از 25 کشور دنیا وارد پاکستان شدند و پس از طی دوره های لازم که عموماً افسرانی از اطلاعات پاکستان و آمریکا آنها را هدایت می کرد عازم جبهه می شدند. در این میان، بیت انصار پیشاور و دفتر خدمات رسانی بن لادن نقش واسطه را انجام می داد. این دفتر نقطه اتصال ماموران سیا، اطلاعات پاکستان و مجاهدین بود.

در سال 1985، ترکی فیصل رئیس کل اطلاعات عربستان به همراه کمک قابل توجه مالی و لجستیک به پیشاور رفت و ضمن ملاقات با بن لادن کمبودها و نیازمندی های آنها را به مقامات عربستان برای تصویب بودجه کمکی بیشتر گزارش نمود. کمک های عربستان در دو شکل مختلف بود: کمک های دولتی و کمک ها به مدارس و سازمان های مذهبی وهابی.

بنظر ماموران سیا در آن دوره بهترین دوستان آمریکا سلفی هستند و نه ناسیونالیستها و ملی گراهای مذهبی؛ زیرا سلفی ها با تمام وجود اعتقاد به نابودی کمونیسم دارند. اما ملی گراها فقط می خواهند کشورشان را از سلطه کمونیسم برهانند و بعد از آن ماموریت خود را خاتمه یافته می دانند. این نوع بینش، سلفی ها و امریکایی ها را به قوی ترین متحدین تبدیل کرد. موسسات مالی و تجاری بن لادن بزرگترین سودهای تاریخ خود را در دهه 80 میلادی بدلیل حمایت کاخ سفید بدست آورد. بن لادن حتی شریک تجاری بوش پدر و پسر بود. [16]

رابین کوک وزیر کابینه انگلیس طی مصاحبه ای به گاردین می گوید غرب بایداعتراف کند که مقصر است و در جنایت القاعده سهیم است. دشمنی با بلوک شرق ما راکور کرده بود. فقط به

کوتاه مدت فکر کرده بودیم. [17]

برژینسکی می گوید برای ما مهم آزادسازی اروپایی شرقی و فروپاشی شوروی بود. باطالبان و القاعده نیز سر فرصت می شد معامله کرد. "میلت بیردن" رئیس سازمان سیا در پاکستان (بین سالهای 1986 تا 1989) به مجله نیویورکر 24 ژانویه 2000 گفته است: "بله ما که می دانستیم که برای بن لادن ماهانه بطور متوسط 25 تا 20 میلیون دلار پول از خلیج فارس می رسید او به پول ما نیاز نداشت؛ اما تجهیزات ما برای او کارساز بود. سیا بطور کامل از فعالیت های KAM و دفتر بیت انصار آگاه بود."

رئیس جمهور پاکستان اخیرا در پاسخ به این اتهام آمریکا و انگلیس که "هر جامعلیات تروریستی انجام می شود سرنخهایی و حلقه وصلی بین ان و پاکستان وجود دارد. از انفجارهای کنیا و تانزانیا تا نیویورک، لندن، مادرید و بمبئی" چنین پاسخ داده است: "مشکل به زمانی برمی گردد که بین 20 تا 30 هزار جنگجو برای مبارزه با کمونیسم وارد پاکستان شدند و شبکه پشتیبانی و سازماندهی آنها در پاکستان انجام گرفت و مادر مسلح کردن و پشتیبانی مالی آنها نقش نداشتیم. "ژنرال طلعت مسعود نیز در توجیه وجود سرخ های تروریستی می گوید: "ما وارث بقایا و تبعات دوره جهاد با شوروی هستیم." [18]

پس سهم ما از پیروزی چیست؟ افراد القاعده هنگام خروج شوروی از افغانستان به کشورهای خود بازگشتند و در میان توده های مردم از آنها همچون قهرمان استقبال شد؛ اما دولتمردان هیچ سهمی برای آنها قائل نشدند. در عربستان دولت به درخواست های اسامه بن لادن برای بکارگیری نیروهایش بجای تفنگداران آمریکا دست زد و 450 هزار تفنگدار آمریکایی را به سرزمین خود راه داد. غربی ها حاضر نشدند به آنها در آزادسازی کویت نقشی بدهند. آمریکایی ها از این به بعد بجای عبارت مبارزان راه آزادی که بیشتر از 10 سال ان را در رسانه های غربی برای نامیدن جنگجویان افغانستان بکار می بردند عبارت نوساز "عرب افغان" را رایج ساختند. باقی ماندن تفنگداران آمریکایی (پس از آزادسازی کویت) در عربستان ناراحتی گروه بن لادن (عرب افغان) را به همراه داشت. این گروه تهدید کرد که اگر آمریکایی ها از سرزمین وحی بیرون نروند علیه آنها اعلام جنگ خواهد کرد؛ نه دولت عربستان و نه آمریکا هیچگونه اهمیتی برای این تهدیدها قائل نشدند.

## القاعده علیه دوستان سابق

انفجار همزمان سفارت آمریکا در نایروبی و دار السلام تانزانیا در سال 1377 اعلام جنگ رسمی بر ضد آمریکا بود و سپس 11 سپتامبر فاز جدیدی در این مسیر بود که منجر به لشکرکشی آمریکا به افغانستان گردید. حتی وقتی انفجار طهران 1996 صورت گرفت آمریکایی ها این انفجار را به ایران نسبت دادند و حاضر نبودند بپذیرند که القاعده حاضربه انجام خرابکاری علیه آمریکا است. اما خود سعودی ها از متهم کردن ایران امتناع ورزیدند چون می دانستند متحد آنها گروه بن لادن این عملیات را انجام داده است. [19]

کسانی مانند سناتور اورین که از دوستان القاعده بود و کنیسترانو که از سال 1984 مسئول پشتیبانی مالی و تدارکاتی برای مجاهدین بود حتی هنگام انفجار سفارتخانه های آمریکا حاضر به قبول این موضوع نبودند که القاعده دشمن آمریکا است. ولی سازمان سیا و اف بی ای یک هفته بعد تأیید کردند که انفجار سفارت آمریکا در تانزانیا و کنیاکار القاعده است و القاعده به دشمن آمریکا تبدیل شده است. دو هفته بعد کلینتون دستور حمله موشکی به مقر القاعده در خوست و یک مرکز صنعتی (کارخانه داروسازی!) در خارطوم را صادر نمود. کلینتون برخلاف ریگان

و بوش پدر چندان از طالبان و القاعده خوشش نمی آمد و آنها را نیروهای ارتجاعی می دانست که نمی توانند دوستان خوبیرای آمریکا باشند.[20]

با سقوط آخرین پایگاه القاعده در کوه های تورابورای افغانستان (اواخر دسامبر 2001) سازمان، وارد مرحله جدیدی شد عمده ترین ویژگی آن، محافظه کاری و فعالیت کاملاً مخفیانه و زیرزمینی است. شرایطی که در واقع تابع روند روزافزون جنگ جهانی علیه تروریسم پس از 11 سپتامبر است. قبایل پشتون در قالب حکومت طالبان، قدرت را بسرعت در افغانستان بدست گرفتند. القاعده با حمایت همه جانبه طالبان که به مدت پنج سال-از سپتامبر 1996 تا دسامبر 2001- به طول انجامید. در توسعه تشکیلاتی خود و نیز ساماندهی "مبارزه بین المللی" توفیق یافت و توانست پایگاه های متعددی را در سرتاسر افغانستان دایر کند.

این پایگاه ها شامل 48 مرکز آموزشی و 30 هزار داوطلب بود که 18 هزار تن از آنها عضو رسمی القاعده بودند و حقوق ماهانه بین 70 تا 130 دلار دریافت می کردند و به شکل مستمر در پایگاه ها حضور داشتند. ما بقی این نیروها نیز پس از طی دوران آموزشی در پایگاه های القاعده به سازمان های جهادی محلی می پیوستند، ضمن آنکه رابطه خود را با القاعده حفظ کرده بودند. عملیات هایی که القاعده زیر نظر "واحد عملیات های برون مرزی" رهبری "ابوزبیده" و "خالد شیخ محمد" و با حمایت 40 گروه جهادی محلی که پیشتر در افغانستان آموزش دیده بودند، صورت داده 24 کشور جهان را دربرگرفته است.

موج اول حملات تروریستی القاعده پس از حوادث 11 سپتامبر 2001 در سه کشور یمن، کنیا و اندونزی صورت گرفت (اکتبر و نوامبر 2002) و موج دوم نیز در دو کشور عربستان و مراکش به وقوع پیوست، موج سوم در عراق و مالزی (اگوست 2003) و موج چهارم در عراق و عربستان (نوامبر 2003) به راه افتاد. پنجمین موج نیز ترکیه، اسپانیا و باز هم عراق (2003) را در بر گرفت. تردیدی وجود ندارد که تمامی عملیات های فوق توسط القاعده صورت گرفته است؛ زیرا نگاهی گذرا به سلسله عملیاتی که از زمان انفجارهای نایروبی و دار السلام (اگوست 1998) تا حملات 11 سپتامبر 2001 روی داده است، نشان می دهد که ویژگی عمده عملیات القاعده، در همزمانی انفجارها و انتخاب مکان های مملو از جمعیت است.

القاعده طی دوره اول فعالیت خود در سیر صعودی از دسته ای محلی به سازمانی جهانی با شبکه پیچیده عنکبوتی و بین قاره ای توفیق یافته است. دوره دوم فعالیت القاعده - که حملات 11 سپتامبر تاکنون را دربر می گیرد دوره ای است که طی آن القاعده به سازمانی فرامنطقه ای با بهره گیری از تاکتیک عملیات انتحاری تبدیل شد. تحولات جدید امنیتی باعث شد که این سازمان جهانی، ساختاری جدید، منعطف، غیرمتمرکز و در عین حال پیچیده پیدا کند. ساختاری که در آن چندین شعبه مستقل و چند ملیتی از رأس سازمان منشعب گردیده و با وجود هم آوایی با اهداف کلی سازمان، ساختاری خوداتکا و مستقل در طراحی و اجرای عملیات تروریستی داشته باشد.[21]

واقعیت این است که بن لادن در میان مسلمانان نه تنها در خاورمیانه بلکه حتی در اروپا و آمریکا نیز طرفدارانی دارد و اگر جنایتهای بی رحمانه افراد و گروه های تکفیری (کافر دانستن مخالفان) در عراق نبود شاید طرفداران القاعده به مراتب بیشتر از این نیز می شد. اما باید دید چه عواملی باعث ظهور چنین گروه های افراطی شده است.

## آفریکوم و پایگاه های آمریکا در جهان

مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا برای آفریقا به اختصار آفریکام (Africom) نام دارد و فعلاً مقر این

مرکز به طور مووقت در اشتوتگارت آلمان قرار دارد. آفریکوم طرح استقرار پایگاه نظامی آمریکا در منطقه آفریقا و بطور مشخص صحرای آفریقا است که مقامات واشنگتن مدتها است به ارزیابی آن مشغول بوده و برپایی آن را برای مبارزه با گروههای تروریستی در منطقه ضروری می دانند. آمریکا علاقه مند است که این پایگاه در یکی از کشورهای شمال غربی آفریقا بویژه مغرب و یا الجزایر برپا شود.

برابر گزارش سایت مراکوبورد، ویلیام وارد فرمانده آفریکوم در سفر خردادماه 1385 به مراکش ضمن بازدید از کیپدره در حومه شهر تان تان این منطقه را مناسب ترین محل برای استقرار دائمی آفریکوم مورد تأیید قرار داد. ژنرال ویلیام وارد تاکنون سه بار به مراکش سفر نموده است. برابر گزارش خبرگزاری و روزنامه صحرای مغربی وی در سفر دسامبر 2009 خود در ملاقات با ژنرال عبد العزیز بنانی فرمانده کل نیروهای مسلح مغرب همکاری های مغرب و آفریکوم را مورد بررسی قرار داد. [22]

پایگاه آفریکوم (تان تان) اگر عملی شود 53 کشور عربی بغیر از مصر را تحت پوشش خواهد داشت و تا سال 2011 عملیاتی خواهد شد. هم اکنون پرسنل اسکادران زنبورهای دریا و اسب های قرمز که پشتیبانی ناوگان دریایی، سپاه مارینز و نیروی هوایی را بر عهده دارند در تان تان مستقر شده اند تا ساختارهای اساسی این پایگاه را بنا کنند. ستاد فرماندهی همچنان در اشتوتگارت باقی خواهد ماند و تان تان محل استقرار نیرو و امکانات خواهد بود. مقامات مغربی این اخبار غیررسمی را تأیید و یا تکذیب نکرده اند. [23]

همکاری نظامی مغرب با آمریکا و ناتو اگرچه بطور عملی از سال 1994 و با تاسیس مجمع گفتگوی مدیترانه ای آغاز شد. اما همکاری نظامی آمریکا و مغرب به سالهای جنگ جهانی دوم برمی گردد که طی آن آمریکا در حمایت از فرانسه و انگلیس علیه آلمان وارد جنگ شد و بدنبال آن پایگاه نظامی را در مغرب (تحت استعمار فرانسه) در نزدیکی شهر قنیطره برپا نموده این پایگاه بعد از جنگ به ظاهر از نظامیان تخلیه شد اما همچنان به ویژه برای نشست و برخاست هواپیماهای نظامی در اختیار آمریکایی هاباقی مانده است.

در حقیقت، آمریکا پایگاه آفریکوم را برای همکاری های چندجانبه با ناتو می خواهد. سازمان ناتو که اکنون 26 عضو دارد و مدعی است که تروریسم بین المللی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و بی ثباتی کشورهای ضعیف، فضای امنیتی جدیدی را به وجود آورده است. بنابراین، چند سالی است که بدنبال ایجاد پایگاه دائمی در آفریقا است؛ کما اینکه آمریکا رسماً ایجاد پایگاهی بنام آفریکوم را در منطقه ساحلی شمال و غرب آفریقای گیری می کند. آمریکا هنوز در مورد ماهیت این پایگاه به یک ایده نهایی نرسیده است و در اینکه این پایگاه متعلق به ناتو باشد و یا آمریکا و اینکه این پایگاه یک مجموعه گسترده و شامل هوایی، دریایی و زمینی باشد و یا اینکه چند پایگاه و در چند منطقه متفاوت مستقر شود تصمیم گرفته نشده است. [24]

روزنامه المساء 40 [25] از قول ویلیام آدام مکریفن فرمانده نیروهای ویژه ناتو در اروپا و آفریقا برخورد سرد رهبران کشورهای اسلامی با ایجاد پایگاه ناتو را نگران کننده توصیف کرده است. اکنون ماموریت ناتو به حوزه دریای عمان و خلیج فارس نیز کشیده شده است. ناتو در ژوئن 2004 میلادی با هدف ترویج همکاری امنیتی با کشورهای منطقه در نشست در ترکیه، «ابتکار همکاری استانبول» را آغاز کرد. تاکنون، چهار کشور از شش کشور عضو سازمان همکاری خلیج فارس شامل بحرین، قطر، کویت و امارات عربی متحده به این طرح ابتکاری پیوسته اند. محوریت جدید خاورمیانه باعث شده است که ناتو در جهت گسترش دام نه برنامه خود و در برگرفتن هفت کشور الجزایر، مصر، اسرائیل، اردن، موریتانی، مراکش و تونس حرکت کند.

## همکاری کشورهای مغرب عربی با ناتو

اجتماع مقامات 26 کشور عضو ناتو و کشورهای عربی مدیترانه (مغرب، مصر، تونس، اردن، الجزایر و بعلاوه رژیم صهیونیستی) در تاریخ 6-7 آوریل 2006 در شهر رباط برگزار شد. بدنبال برگزاری این گردهمایی در شهر رباط، دبیر کل ناتو اعلام کرد رژیم صهیونیستی، الجزایر و مغرب موافقت کرده اند برای مقابله با تروریسم به نیروی دریایی ضدتروریسم ناتو در دریای مدیترانه بپیوندند.

ناتو گشت زنی های خود در مدیترانه را که تحت عنوان «عملیات تلاش های مؤثر» انجام می شود، اندکی پس از واقعه 11 سپتامبر 2001 شروع کرد و تاکنون نیز نشست های ناتو در این زمینه در کشورهای عضو انجام شده است. الساندرو مینوتو ریزو، معاون دبیر کل ناتو نیز اظهار داشت: تصمیم الجزایر، اسرائیل و مغرب برای شرکت در

عملیات گشت زنی ناتو در مدیترانه به گام های کاربردی برای به تحقق رسیدن نیاز دارد. پس از حادثه 11 سپتامبر همکاری ناتو با کشورهای آفریقایی ساحل مدیترانه رو به افزایش گذاشته است و تاکنون چندین مانور مشترک در منطقه برگزار شده است. مانورهای تابستان 84 بنام دولفین با مشارکت مغرب، الجزایر، تونس و اسرائیل در سواحل یونان و مانور 1385 که در سواحل سنگال برگزار شد با مشارکت کشورهای مذکور و کشورهای ناتو از ان جمله است. [26]

تاکنون 4 سمینار مربوط به تروریسم در شهر رباط برگزار شده که آخرین آن همایش تروریسم اتمی (شهریور 87) بود. همچنین در همایش بین المللی "مبارزه با تروریسم در مغرب عربی و ساحل آفریقا" که در کازابلانکا برگزار شد و الجزایر، لیبی و تونس از مغرب عربی، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال و چاد از ساحل آفریقا، فرانسه، انگلیس، دانمارک و پرتغال از اروپا در کنار آمریکا در آن حضور داشتند. مسایل مربوط به چگونگی مبارزه با پدیده تروریسم در منطقه را بررسی کردند. برگزاری این نشست ها یکسال پس از ایجاد "مرکز آفریقایی مطالعات و پژوهش پیرامون تروریسم" و "مرکز مطالعات راهبردی درباره آفریقا" وابسته به وزارت دفاع آمریکا صورت می گیرد. بررسی تجربه الجزایر در مبارزه با تروریسم و نیز طرح آشتی ملی در این کشور بعنوان گراپیشی سیاسی برای توقف خشونت و بحران امنیتی، "تهدیدات تروریستی در شمال و غرب آفریقا" و نیز ارایه برنامه های ملی در سطح کشورها برای مقابله با تروریسم از جمله محورهای این نشست ها بود. سازمان سیا و ناتو همچنین از خاک کشورهای نظیر مغرب برای انتقال و نگهداری تروریستها استفاده می کنند؛ کما اینکه آلمان نیز اعتراف نمود که ماموران اطلاعاتی این کشور با سازمان "سیا" در اقدام غیرقانونی انتقال مظنونین به تروریسم به کشورهای ثالث همکاری اطلاعاتی داشته اند.

آمریکا علاوه بر داشتن تسهیلات نظامی در منطقه شمال آفریقا درصد برپایی پایگاه های نظامی در تونس و مغرب است تا در صورت لزوم بتواند در تمام نقاط آفریقا وارد عمل شود. همکاری های ناتو و کشورهای منطقه با انجام رزمایش نیروهای آمریکایی در صحرای بزرگ الجزایر در چارچوب "برنامه حمایت از تلاش های مبارزه با تروریسم در ساحل آفریقا" و مانور مشترک در سواحل ایتالیا و سنگال نمود بیشتری پیدا کرد.

آمریکا با وجود اینکه قدرتمندترین کشور جهان از نظر میزان و حجم تجهیزات دفاعی و تهاجمی (5 هزار کلاهدک هسته ای مستقر شده) است اما در عین حال از روانشناسی ترس برخوردار است و یک اصل ثابت در سیاست خارجی و سیاست نظامی آمریکا توهم توطئه و ترس از

دشمن وهمی و یا دشمن واقعی است. آمریکا همواره با ایجاد دشمنان فرضی به دنبال اهدافی است که حداقل یکی از آن اهداف بحران زایی و ایجاد جو بدبینی و سوءظن و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و فروش سلاحهای انبارشده آن کشور است. در همین راستا، آمریکا تاکنون میلیاردها دلار سلاح به کشورهای مختلف فروخته و بهترین بازار فروش این سلاح ها در منطقه خلیج فارس و مغرب عربی است. در اواخر سال 2007 کنگره آمریکا از تصمیم دولت بوش برای فروش 20 میلیارد دلار اسلحه به چند کشور عربی حاشیه خلیج فارسی حمایت نمود. مغرب قرارداد تسلیحاتی به ارزش سه میلیارد دلار با آمریکا برای خرید 16 فروند جنگنده اف 16 و 25 هلی کوپتر 725 سوپر بوما و تعدادی موشک پیشرفته ضد هوایی در بهمن 1387 امضا نمود و عربستان نیز این قرارداد را تضمین مالی کرد و مغرب بودجه نظامی خود را در چند سال گذشته هر سال 20 تا 30 درصد افزایش داده است. 42 الجزایر رقیب سرسخت مغرب نیز قرارداد هفت میلیارد دلاری برای خرید 80 هواپیمای جنگی میگ 29 و سوخوی 24 و موشک ضدتانک متیس و کارنت وسلاحهای متعارف دیگر با روسیه منعقد نموده است. [27] امارات متحده عربی درخواست خرید 288 موشک پاتریوت باک 3 و 2 و تجهیزات مربوطه آنها به ارزش 9 میلیارد دلار، کویت درخواست خرید 80 موشک پاتریوت باک 3 و 2 و تجهیزات مربوطه آنها به ارزش 36,1 میلیارد دلار و عربستان نیز موارد مشابهی را درخواست نموده است. امارات تعدادی هواپیمای میراژ فرانسه و اف 16 امریکایی در اختیار دارد. در حال حاضر تعداد تانک های لوکیر این کشور از ارتش فرانسه نیز بیشتر است. هیچ شکی نیست که پاریس امیدوار است پایگاهی را که در امارات تاسیس می کند قراردادهای بسیار خوبی را برای فرانسه به ارمغان آورد. [28]

منطقه خاورمیانه منطقه تناقض ها، تضادها، بدبینی ها، سوءظن ها و تعارضات است. در همان حالی که کشورهای عربی در زیر یک سقف جلسه وحدت تشکیل می دهند در بیرون جلسه بدنال مسلح کردن خود هستند. اختلافات عربی - عرب و غیرعرب - غیرعرب همواره بر جهان عرب سایه افکنده است و این سوءتفاهمات زمینه لازم را برای بهره برداری آمریکا و حتی انگلستان و فرانسه از بازار این کشورها فراهم ساخته است.

برابر گزارش مرکز پژوهش های بین المللی کندی، آمریکا در حال حاضر 700 تا 800 پایگاه زمینی، دریایی، هوایی و جاسوسی در خارج از آمریکا دارد.

بطور مشخص 737 پایگاه در 130 کشور خارجی قرار دارند که تعدادی از آنها اردوگاه و خیمه گاه های موقت هستند. تعداد مراکز و پادگانهای ارتش آمریکا در خاک آن کشور به 6000 می رسد. هم اکنون تعداد یک میلیون و 140 هزار نظامی آمریکایی در این پایگاه ها مستقر هستند. از این تعداد 400 هزار نفر سرباز نیروی زمینی، 310 هزار نفر نیروی دریایی، 130 هزار نفر تفنگدار دریایی و 300 هزار نفر جزء نیروی هوایی هستند که در این پایگاه ها فعالیت دارند.

## عدم موفقیت آمریکا به ایجاد پایگاه نظامی دائمی آمریکا (آفریکوم)

آمریکا بعد از 11 سپتامبر، به ویژه در چند سال اخیر تلاش کرد تا پایگاهی دائمی در یکی از کشورهای آفریقایی دایر نماید. مغرب، الجزایر، موریتانی، مالی، چاد، زامبیا، اوگاندا و کنیا کاندیداهای مطرح این پایگاه بودند؛ اما آمریکا نتوانست هیچ کشور مهمی را به این امر راضی نماید. بنابر نوشته هفته نام الایام مورخ 8 فوریه 2008 آمریکا بهترین منطقه برای این پایگاه را سواحل منطقه تان تان در سواحل جنوب اغادیر در مغرب می داند و مایل است در این منطقه

که اکنون پادگانی هم در آنجا دارد یک پایگاه دائمی همانند پایگاه موجود در کره جنوبی احداث کند. این امر برای مغرب درآمدزا است و بعلاوه مغرب با دادن چنین امتیازی به آمریکا از پشتیبانی بیشتر آمریکا برای حل مشکل صحرا نیز برخوردار خواهد شد. آمریکا و فرانسه بطور صریح از طرح پیشنهادی مغرب برای اعطای خودمختاری به منطقه صحرا و تحت حاکمیت مغرب پشتیبانی نموده اند. [29]

دولت آمریکا مبلغ 389 میلیون دلار برای سال 2009 در خصوص هزینه های آفریکوم تصویب نمود. آمریکا در چند سال اخیر، سالانه 9 میلیارد دلار از طریق وزارت خارجه و آژانس توسعه بین المللی برای مسائل بهداشتی و ترغیب تجارت و اشتغال و سالانه 250 میلیون دلار کمک امنیتی و نظامی در قاره آفریقا هزینه می کند. [30]

رایزنی و تلاش های واشنگتن برای اجرای این طرح و کسب موافقت کشورهای منطقه صحرای آفریقا بویژه الجزایر و مغرب در حالی طی این ماه ها شدت یافته که حملات تروریستی در این منطقه و بویژه الجزایر نیز شاهد یک روند رو به جلو و نگران کننده بوده است. بطور رسمی، همه کشورهای عضو اتحادیه مغرب عربی مخالفت خود را با اعطای پایگاه به آمریکا اعلام داشته اند. گفته می شود جیبوتی نیز موافق احداث پایگاه آفریکوم در سواحل جیبوتی است و قرار است که موافقتنامه این مقر با کشور جیبوتی در شاخ آفریقا نهایی شود. وزیر خارجه جیبوتی محمود علی یوسف نیاز اقتصادی و امنیتی را عامل موافقت جیبوتی با پیشنهاد آمریکا عنوان نموده است.

بیشتر مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی (Centcom) و مرکز فرماندهی منطقه اقیانوس آرام (Pacom) به طور مشترک مسئولیت قاره آفریقا را برعهده داشتند.

آمریکا حدود 10 درصد نفت مصرفی خود را از کشورهای آفریقایی مانند نیجریه وارد می کند و همچنین نگران افزایش نفوذ چین در آفریقا است. آمریکا علاوه بر نگرانی از منطقه مغرب غربی همچنین نگران رشد تروریسم در کشورهای بی ثبات آفریقایی در شمال شرق آفریقا بویژه سومالی است و در آنجا گروه الشباب را متهم به همکاری با القاعده و وهابیون عربستان می کند. پنتاگون می گوید حد اقل یک سوم از حدود 400 عضو مرکز فرماندهی جدید، دیپلمات ها و کارشناسان کمک های اقتصادی خواهند بود. ناظران نظرات متفاوتی درباره تأسیس افریکام دارند.

برخی معتقدند که تأسیس این مرکز فرصتی برای توجه بیشتر و موثرتر آمریکا به قاره آفریقا را بوجود آورده است. اگرچه تاکنون هیچ کشور آفریقایی رسماً میزبانی مقر مرکز فرماندهی جدید را به طور نهایی نپذیرفته است اما آمریکا در بسیاری از کشورهای آفریقایی مستشاران نظامی و مراکز یا اردوگاه نظامی دارد؛ از جمله آنها می توان به پایگاه موقت انتبه در اوگاندا و مرکز تان تان در مراکش و مراکز در امارات متحده عربی و یمن اشاره نمود که بطور موقت به عنوان مسیر ترانزیت و آموزش مورد بهره برداری واقع می شوند اما در مورد انتبه این مرکز موقت که 15 سال قبل فقط برای امدادسانی به جنوب سودان دایر شده بود تاکنون در آنجا به عنوان مرکز ردیابی و جاسوسی در کل منطقه دریاچه های بزرگ بکار می رود.

مغرب از 19 ژانویه 2004 از سوی ناتو به عنوان شریک مهم خارج از پیمان ناتو (Major non-NATO ally) شناخته شده است. این جایگاهی است که تاکنون به کشورهای آرژانتین، مصر، اسرائیل، ژاپن، کره در سال 1998-اردن (1996)، (1996) نیوزلند (2002)، بحرین (2003)، فیلیپین (2003)، تایلند و به کویت، مغرب و پاکستان در سال 2004 اعطاء شده است. پادگان

های قنيطره، نجرير در شمال مغرب النواصر نزدیک کازابلانکه، سیدی سلیمان شمال رباط، بن سلیمان و جمعه سحيم از سال 1953 در اختیار ارتش آمریکا قرار داشته است. پایگاه قنيطره دارای باند فرودگاه مجهزی است که همواره در خدمت نیروی هوایی و زمینی آمریکا در انتقال تجهیزات بسوی خاورمیانه مورد استفاده قرار می گیرد. [31] مغرب همیشه از کمکهای سخاوتمندانه نظامی آمریکا برخوردار بوده و آمریکاعموما سلاحهای قدیمی خود را بطور رایگان به مغرب اعطا می کند. [32]

برابر اعلام جاب دی هوب شیفر، دبیر کل ناتو، امارات متحده عربی نیز که در چهارچوب ابتکار همکاری استانبول با ناتو (2004) همکاری می کند بزودی جایگاه شریک خارج در پیمان ناتو خواهد یافت.

آمریکایی ها چند سالی است به طور آشکار و به بهانه مبارزه با تروریسم در مثلث صحرا (الجزایر، مغرب، موریتانی) نیرو مستقر کرده اند و در نظر دارند یکی از پایگاه های مبارزه جهانی با تروریسم را در منطقه مثلث صحرا ایجاد کنند و با ادعای مقابله با فعالیت های تروریستی شبکه القاعده به برگزاری مانور مشترک با نیروهای ارتش الجزایر و موریتانی می پردازند و از این طریق قصد دارند جایگاه ویژه ای در این منطقه از خاورمیانه داشته باشند.

تعداد 120 هزار نظامی آمریکایی در کشورهای اروپایی، 200 هزار در خاورمیانه، 90 هزار نفر سرباز در خاور دور و بقیه در سایر کشورهای جهان و بخصوص در آفریقا مستقر هستند و تعداد 410 هزار نظامی آمریکا هم اکنون در خارج از آمریکا بسر می برند.

آمریکا بیست پایگاه دائمی نظامی دارد که فرماندهی اروپا - اشتهوتگارت منطقه ای در حدود 13 میلیون مایل مربع را در 89 کشور از نروژ تا بالتیک مدیترانه بخشی از خاورمیانه تا کیپ گود هوپ در آفریقای جنوبی را تحت پوشش هوایی دریایی و زمینی دارد. این پایگاه فعلا مسئولیت کل قاره آفریقا را نیز بر عهده دارد.

پایگاههای شهر Grafenwoehr آلمان، مقر پشتیبانی دریایی در ناپل، مقر دریایی اسپانیا در تنگه جبل الطارق، پایگاه هوایی ایستگاه سیگونولا ایتالیا ویژه عملیات در مدیترانه است. این پایگاه مرکز استقرار 31000 نظامی و 800 غیرنظامی است، پایگاه هوایی انجریک در جنوب ترکیه مختص یگان سی و نهم رزمی هوایی که مدیترانه شرقی را نیز پوشش می دهد. انجام نزدیک به هزار عملیات نظامی طی چند سال گذشته از سوی القاعده نشان می دهد که نیروهای القاعده و طالبان هنوز قادرند دست به عملیات هماهنگ بزنند و نیروهای طالبان پاکستان و افغانستان و عوامل شبکه القاعده به صورت کاملاً هماهنگ با تاکتیک جدیدی وارد عرصه نبرد در افغانستان شده اند. آنها روحیه نیروهای چندملیتی را می توانند تخریب کنند و حتی اگر رهبر القاعده نیز به قتل رسد قطعا این به معنی پایان فعالیت های خشونت های القاعده نخواهد بود. آنچه می تواند به انزوای القاعده منجر می شود استراتژی غلط کشتار غیرنظامیان و برخوردهای تکفیری با مخالفانشان است که در نهایت منجر به انزوای آنها در میان مسلمانان و در نهایت افول تدریجی آنها خواهد شد.

دیدگاهها در میان اهل سنت خاورمیانه نسبت به افراد القاعده بین هوادار و سمپاتو قهرمان دانستن آنها و جنایتکار و دشمن اسلام خواندن آنها متفاوت است. عده معدودی آنها را قهرمان و عده زیادی آنها را جنایتکارانی می دانند که جنایات دامنشانه آنها موجب بدبینی به جهان اسلام و اسلام هراسی شده و موج اسلام گرایی واقعی در جهان را با خطر روبرو کرده است. اما به هر حال، عده ای نیز عملکرد غلط غرب را بطور مستقیم عامل اصلی و سرمنشا ظهور آنها دانسته و غرب را مقصر می دانند. آمریکا تلاش نمود در چهارچوب طرح خاورمیانه بزرگ ریشه

های اجتماعی را بخشکاند؛ ولی همه شواهد نشان می دهد که آمریکا در این هدف نیز بدلیل سوابق غلط خود ناکام مانده است.

## پی نوشت ها:

[1] مجله کارنگی 2008 الجزایر فی عهد بو تغلیقه، رشید تلمسانی

[www.carnegieendowment.or](http://www.carnegieendowment.or)

[2] [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir) پایگاههای نظامی آمریکا در سراسر جهان

[3] وب سایت روزنامه التجدید، اسناد دولتی آمریکا در مورد مغرب [www.altajdid.ma](http://www.altajdid.ma)

[4] الجزیره نت

[5] مجله شماره 104 موسسه کارنگی اکتبر 2009-القاعده در مغرب اسلامی خطری برای

الجزایر یا تهدید جهانی، جان بیار فیلیو

[6] کتاب «الحركة الإسلامية المسلحة فی الجزائر من الانقاذ الی الجماعة» کمیل الطویل 1998

[7] بو تغلیقه در دوره وزارت خارجه خود روابط با ایران را توسعه داد و وساطت و مساعی

جمیله ازسوی وی منجر به امضای قرارداد الجزایر 1975 گردید. نگاه کنید به ویژه نامه شرق

الاوسط "الخفايا اتفاق الجزایر اسناد بریتانیا" اوت 2006.ف

[8] مختصر شهادتی علی الجهاد فی الجزایر و خلاصه تجاربی الجهادیة و مساری مع الصحوة

الإسلامیة زهاء ربع قرن من الزمن من الآن (1980-2004 م) موجود در اینترنت

[9] کتاب «القاعده و اخواتها (القاعده و هم پیمانانش)» نوشته کمیل الطویل، ناشر: دارلساقی،

بیروت، 2007

[10] مجله شماره 104 موسسه کارنگی اکتبر 2009-ص 51-52

[11] الجزیره نت

[12] مجله شماره 104 موسسه کارنگی اکتبر 2009-همان صص 65-75

[13] کتاب «القاعده و اخواتها (القاعده و هم پیمانانش)» نوشته کمیل الطویل،

ناشر: دارلساقی، بیروت، 2007

[14] مجله شماره 104 موسسه کارنگی اکتبر 2009-القاعده در مغرب اسلامی خطری برای

الجزایر یا تهدید جهانی، صص 109-112

[15] برای اطلاع از جزئیات تشکیلات القاعده در مناطق 4 گانه دیگر جهان به مقاله اینجانب در

روزنامه همشهری و همشهری آنلاین مراجعه شود.

[16] شرق الاوسط 29 آوریل 2006

[17] "How the CIA created Osama bin Ladan". Green Left Weekly. 2001-09-19

<http://www.greenleft.org.au/2001/465/25199>. Retrived 2007-01-09

[18] "Cook, Robin. "The struggle against terrorism cannot be won by military means [18]

<http://www.guardian.co.uk/terrorism/story/0,>

12780,1523838,00.html

[19] اتحاد الاشتراکی 5/10/2007

[20] کتاب «القاعده و اخواتها (القاعده و هم پیمانانش)» نوشته کمیل الطویل، ناشر: دار

الساقی، بیروت، 2007

[21] Gerges, Fawaz A (2005-09-05). The Far Enemy: Why Jihad Went Gblobal. [21]

Cambridge University Press. ISBN 0-521-79140-5

[22] روزنامه های النهار المغربیه-صوت الناس-صحرا المغربیه تاریخ 16 می 2006

[23] النهار المغربیه 18 می 2008

[http://map.ma/eng/sections/home/abdelaziz\\_bennani\\_re/view](http://map.ma/eng/sections/home/abdelaziz_bennani_re/view)

[24] وب سایت آفریکوم

[www.hespress.ma](http://www.hespress.ma) [25]

- [26] وب سایت دانشگاه کلمبیا و هفته نامه مشعل 14 دسامبر 2007 و شماره 18 نوامبر 2008
- [27] کتاب مغرب و صحراء، محمد شرقاوی، آکسفورد 2008 همچنین وب سایت [www.ups.com](http://www.ups.com)
- [28] وب سایت لاکهید.
- [29] المساء(مغرب) شماره 238 مورخ 25 ژوئن 2007
- [30] روزنامه المساء شماره 436 مورخ 13/02/2008
- [31] المشعل شماره 18 سال 2008
- [32] کتاب نمایشگاه سلاح، نوشته آنتونی سامسون، پاریس 1978 ص 235 تا 367